

تبیین و واکاوی نقش سرمایه اجتماعی در تحقق امنیت و اقتدار ملی با تاکید بر مشارکت مردمی در راستای تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب

نویسندگان: حمید خسروی^۱

مهدی رحمانیان^۲

فصلنامه (علمی-تخصصی) مطهر، سال پانزدهم، شماره ۴۶، پاییز ۱۳۹۷

چکیده

اولویت‌دارترین نیاز انسان‌ها پس از نیازهای زیستی، «امنیت» است. احساس امنیت، امری درونی و ذهنی است که با حضور مولفه‌های مختلف پدیدار می‌شود. اقتدار ملی برآیند و ماحصل قدرت‌های اقتصادی، نظامی، فرهنگی-اجتماعی، سیاسی، علمی و فناوری است؛ یکی از مولفه‌های اساسی که بر تحقق امنیت و اقتدار ملی تأثیر انکارناپذیر دارد، سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی مفهومی جدید، پیچیده و مهم است که امروزه به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های توسعه در هر جامعه مطرح است؛ بدین معنا که شرط لازم برای پیشرفت جامعه، ایجاد روابط گرم، گسترش انسجام اجتماعی، بسط مشارکت اجتماعی و اعتماد متقابل (فرد - جامعه - دولت) است. سرمایه اجتماعی عاملی است که می‌تواند به تولید امنیت در جامعه کمک کند و با کاهش هزینه‌های کنترل جامعه، موجب تقویت همبستگی اجتماعی شود. بنابراین سرمایه اجتماعی با تأمین اعتماد مردم به نهادهای دولتی و تحقق مشارکت اجتماعی، ضمن تأمین امنیت منجر به اقتدار ملی می‌شود. به بیان دیگر، امنیتی که بر پایه مشارکت نیروهای مردمی بنا نهاده شود از پایداری و ماندگاری زیادی برخوردار است. احساسی که به مرور منجر به ثبات و پایداری شده و این خود عامل اصلی پیشرفت و توسعه کشور و دستیابی به اهداف و آرمان‌های ملی خواهد بود. بر این اساس، تلاش این نوشتار آن است که با رویکرد توصیفی-تحلیلی ضمن تبیین سرمایه اجتماعی و امنیت و اقتدار ملی مبتنی بر مشارکت مردمی، نقش آن را در تحقق گام دوم انقلاب اسلامی ارائه نماید.

واژگان کلیدی: امنیت، ابعاد و مولفه‌های امنیت، سرمایه اجتماعی، قدرت ملی، امنیت مردم پایه، بیانیه گام دوم انقلاب.

۱. عضو هیات علمی دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه السلام. Email: mahdiyar9595@gmail.com

۲. دکترای جغرافیا، مدرس دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه السلام. Email: rahmanian.mahdi@gmail.com

امنیت؛ یکی از اساسی‌ترین موضوعات جامعه بشری محسوب می‌شود. رسول خدا صلی‌الله‌علیه و آله فرمود: «النعمتان مجهولتان الصّحه والأمان» دو نعمت است که قدرشان شناخته نمی‌شود: صحت بدن و امنیت. امنیت از نیازها و ضرورت‌های پایدار فرد و جامعه تلقی می‌شود که فقدان آن، پیامدها و بازتاب‌های نگران‌کننده و خطرناکی به دنبال دارد (ترابی و گودرزی، ۱۳۸۳: ۳۱-۴۶)؛ به طوری که انسان مدنی برای زندگی در جمع و دستیابی به مراتب بالای رشد نیازمند امنیت و آرامش خاطر است. امنیت در دیدگاه‌های مختلف از معانی، ویژگی، مولفه‌ها و ابعاد مختلفی برخوردار است؛ با این اوصاف همه مکاتب بر اهمیت و جایگاه امنیت در سیر رشد، پیشرفت و توسعه فرد، گروه، سازمان، ملت، منطقه و نظام بین‌الملل تاکید دارند.

یک نظام سیاسی باید همواره نسبت به تهدیدات پیرامون خود، ادراک لازم را داشته و عوامل تهدید را شناسایی نموده و نسبت به ایجاد و تقویت اقتدار و قدرت ملی اقدام نماید. قدرت و اقتدار یک کشور با توجه به تحولاتی که بشر تجربه کرده و شرایطی که امروزه بر جهان مستولی است صرفاً با مؤلفه‌های سخت افزاری و قدرت‌های سخت قابل تبیین نیست. کشور و ملّتی از امنیت و اقتدار برخوردار است که از کلیه ظرفیت‌های خود افزون‌تر، پایدارتر و بنیادی‌تر بهره‌برداری نماید. محیطی که کشورمان در آن قرار دارد، محیطی بحرانی و بی‌ثبات است که امنیت ملی ما را به شیوه‌های گوناگون تحت‌تأثیر خود قرار می‌دهد.

در یک چنین محیطی باید با تکیه بر امنیت و اقتدار ملی در راستای دستیابی به پیشرفت و تحقق اهداف والای انقلاب اسلامی به دنبال تبدیل تهدیدات به فرصت‌ها بود و به توانایی کنترل محیط‌های تهدیدزا یا ناامن دست پیدا کرد. چراکه، در غیر این صورت هر فرصتی می‌تواند تهدید و هر تهدیدی به یک خطر جدی تبدیل شود. قدرت نظامی یکی از موثرترین و مهم‌ترین مولفه‌های قدرت ملی در تأمین امنیت ملی و حفظ کشور از تهدیدهای فرارو به شمار می‌آید؛ تحقق این مهم مستلزم اتخاذ تدابیری راهبردی در بخش نظامی و تعیین ساختارهای نیرویی و ترکیبات رزمی است که بایستی با تکیه بر بسیج ملی و ساختارهای امنیت مردم پایه که با شناخت دقیق از محیط ملی و بین‌المللی بدست آید، تحقق پذیرد.

در این میان، نقش سرمایه اجتماعی و احساس امنیت چه از جهت جلوگیری از بروز ناهنجاری‌ها و انواع جرایم اجتماعی و به تبع در کنار آن از جهت زمینه‌سازی مشارکت مثبت و فعال فرد در زندگی اجتماعی، اساساً از طریق تأثیرگذاری ارزش‌ها و هنجارهای

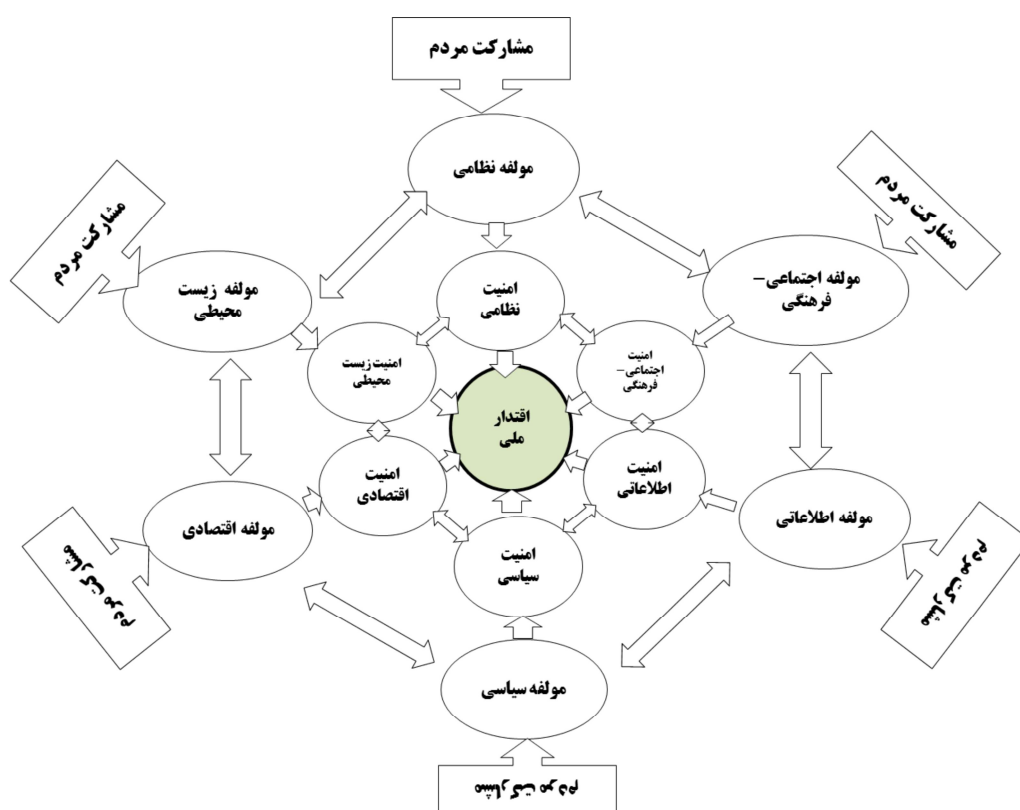
اجتماعی در چگونگی رفتار افراد اعمال می شود (تقی‌لو و آدمی، ۱۳۸۹: ۳۵-۶۰). حفظ وحدت اجتماعی و انسجام ملی از مهم‌ترین عوامل بازدارنده در مقابله با تهدیدات است. لذا، برای پایداری خود به عنوان یک ملت، یک هویت، یک کشور، یک نظام اجتماعی و دینی نیازمند امنیت و اقتداری هستیم که امکان زیست، رقابت و استواری در مقابل تهاجم قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را دارا باشد. به بیان دیگر، نقش و جایگاه انسجام ملی در کشور، ارتباط جدی و مستقیمی با امنیت ملی دارد؛ چرا که وحدت و انسجام ملی، اساساً یکی از "مؤلفه‌های امنیت ملی" و از ارکان اصلی حفظ و بقای نظام جمهوری اسلامی ایران است. در این راستا، این مقاله در نظر دارد ضمن بررسی ابعاد و مولفه‌های قدرت ملی، نقش سرمایه اجتماعی را در تحقق امنیت و اقتدار ملی در راستای تحقق گام دوم انقلاب در مسیر تمدن نوین اسلامی تبیین نماید.

مبانی نظری

آینده مطلوب، توأم با عزت، افتخار و پیشرفت همه جانبه از خواسته‌های اساسی هر ملتی است. آرمان‌های عدالت-جویانه و افق روشن پیش‌روی نظام جمهوری اسلامی ایران همواره عاملی بوده است که نظام استکبار جهانی احساس خطری نسبت به منافع خود داشته است. نظام استکبار که جمهوری اسلامی را به لحاظ ماهیت و عملکرد، در تعارض جدی با منافع آشکار و پنهان خود در منطقه و جهان می‌بیند؛ از همان ابتدا مخالفت و دشمنی را با آن آغاز کرد. به عبارت دیگر، جمهوری اسلامی همواره آماج انواع حملات و تهدیدات دشمنان کینه‌توز بوده و هست و این امر مستلزم آمادگی دفاع همیشگی در تمام زمینه‌ها است. از این رو، همواره بهره‌مندی جمهوری اسلامی ایران از مولفه‌های قدرت ملی موجب می‌گردد به رغم تلاش بی‌وقفه دشمنان، به علت وحدت و انسجام ملی موفقیت چشم‌گیری نصیب آنان نشود.

از جمله مهم‌ترین عوامل تأثیر گذار بر وحدت و قدرت ملی هر جامعه، موضوع سرمایه اجتماعی، مشارکت مردمی و نرخ بهره‌مندی آن در کشورها می‌باشد. سرمایه اجتماعی اولاً بسیار کم هزینه است و ثانياً پایان ناپذیر می‌باشد که می‌تواند امنیت و اطمینان را برای جامعه به ارمغان بیاورد. سرمایه اجتماعی محصول جانبی دیگر فعالیت‌های اجتماعی است. این سرمایه به طور معمول در پیوندها، هنجارها و اعتماد تشکیل می‌شود و از یک شرایط اجتماعی به شرط دیگر شرایط انتقال‌پذیر است. سرمایه اجتماعی از رابطه میان افراد به وجود می‌آید؛ روابطی که میان افراد جامعه شکل می‌گیرد، اگر به اندازه کافی قوی باشد، می‌تواند باعث به وجود آمدن سرمایه اجتماعی گردد. سرمایه اجتماعی چیزی است که در این روابط وجود دارد و افراد و جامعه از آن در جهت پیشبرد اهداف خود بهره

می‌برند. سرمایه اجتماعی یعنی توانایی اشخاص برای همکاری با یکدیگر در قالب گروه‌ها و سازمان‌های مختلف برای نیل به اهداف مشترک (ردادی، ۱۳۸۷: ۱۸۶-۱۹۶). از سوی دیگر، جمهوری اسلامی ایران با جایگزینی مناسب در سطح استراتژی دفاعی خود که بیش از هر چیز بهره‌مندی از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های بومی را مد نظر داشت، تأکید بر الگوی نقش‌آفرینی مردم در عرصه دفاع از انقلاب را به شدت مورد توجه قرار داد. لذا، در این پژوهش امید است نقش سرمایه اجتماعی در تحقق امنیت و اقتدار ملی با تأکید بر مشارکت مردمی در راستای تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب، با تشریح عناصر اصلی این مطالعه یعنی امنیت، اقتدار ملی، مشارکت مردمی و بیانیه گام دوم انقلاب به طور اجمالی پرداخته شود.



امنیت

شنیدن واژه امنیت، آنچه در درجه اول به ذهن متبادر می‌شود، فراغت از جنگ و درگیری مسلحانه و برخوردهای خشونت‌آمیز و در نهایت دستیابی به صلح است. با این تصور، تهدید نظامی مهم‌ترین عامل بر هم‌زننده امنیت به شمار می‌رود و به تبع آن مهم‌ترین وظیفه دول، افزایش قدرت نظامی و توان دفاعی است. «ریشه امنیت در لغت از امن، اتمان، ایمان و ایمنی است که به مفهوم اطمینان و آرامش در برابر خوف و ترس

و نگرانی و ناآرامی است». امنیت از نیازهای اساسی و اصلی انسانها است؛ واژه امنیت در لغت نامه‌های فارسی به معنی در امان بودن، ایمنی، آرامش و آسودگی است و کلمه امن به معنی بی‌بیم شدن، بی‌ترس، اطمینان، آسایش، آرامش و آسودگی، آرامش قلب و ضدخوف است. در دنیای امروز می‌توان اقسام ذیل را برای امنیت در نظر گرفت: ۱- امنیت شخصی: به معنای امنیت فرد در زندگی خود و سلامت جسم و صحت فرد و شهرت‌اش در حد قانون می‌باشد؛ ۲- امنیت عمومی: فعالیت‌های حکومتی است که هدفش استقرار امنیت در کشور می‌باشد و این فعالیت‌ها متضمن کارها و اعمال دفاع اجتماعی و مدنی، تنظیم عبور و مرور و غیره می‌باشد؛ ۳- امنیت اجتماعی: (بین اجتماعی) به دو معنی به کار برده می‌شود: الف. مصون بودن و حالت فراغت عموم افراد جامعه از تهدیدات یا اقدامات خلاف قانون شخص، گروه و دولت؛ ب. پیش‌بینی و تدارک کمک دولت برای تأمین نیازهای مردم و در نتیجه بیماری، بیکاری، سالمندی؛ ۴- امنیت ملی: توانایی یک ملت برای حفاظت از خود و ارزش‌های داخلی در مقابل تهدیدات خارجی (امیدوار، ۱۳۸۱: ۷۸-۷۸).

امنیت یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اجتماعی است که وجود آن در هر جامعه‌ای، از ضروریات و به عبارت دقیق‌تر از نخستین ضروریات محسوب می‌شود و بدون آن زندگی سعادتمند برای آحاد مردم، امکان‌پذیر نمی‌باشد. در امنیت و ارزش این مقوله اجتماعی همین بس که در آیات متعددی از قرآن کریم بدان تذکر داده شده و در برخی آیات نیز، قبل از پرداختن به امور دیگر این موضوع مورد توجه قرار گرفته است. از جمله در آیه ۱۲۶ سوره مبارک بقره که مشتمل بر دعای پیامبر بزرگ الهی، حضرت ابراهیم علیه‌السلام درباره سرزمین و امکنه می‌باشد، می‌خوانیم: «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ...» و به یادآور هنگامی که ابراهیم عرض کرد: پروردگارا! این سرزمین را شهر امنی قرار ده و اهل آن را آن که ایمان به خدا و روز بازپسین آورده‌اند از ثمرات (گوناگون) روز فرما».

همان‌طور که می‌بینیم در این دعای شریف که از زبان یکی از اولیاء پروردگار نقل گردیده، ایشان نخست تقاضای «امنیت» و سپس درخواست «مواهب اقتصادی» می‌کند؛ و این خود اشاره‌ای است به این حقیقت که تا امنیت در شهر و کشوری حکمفرما نباشد فراهم کردن یک اقتصاد سالم ممکن نیست. به عبارت دیگر، بنا به آیه «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا» (سوره ابراهیم: آیه ۳۵) حضرت ابراهیم هنگام بنانهادن کعبه، به این نیاز فطری توجه کرد و از خداوند خواست آن سرزمین را از نعمت «امنیت» برخوردار سازد. خداوند نیز، بنا به آیه «وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا»، آن جا را خانه امنی برای مردم قرار داد. امنیت بزرگ‌ترین پاداشی است که در تمیز اهل حق از باطل، به اهل حق اعطا می‌شود؛ همان‌گونه که قرآن می‌فرماید: «فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ؟» یعنی

کدام یک از دو دسته شایسته امنیت هستند؟

فراهم گشتن شرایط و زمینه‌های برابر برای ارتقاء و پیشرفت همه افراد جامعه و برخورداری یکسان آن‌ها از فرصت‌های اجتماعی، از عوامل تأمین برابری در جامعه است و یکی از کلیدی‌ترین راه‌ها برای فراهم نمودن چنین زمینه‌ای، تأمین امنیت در جامعه می‌باشد. با ایجاد امنیت پایدار و گسترده، همگان بطور برابر از فرصت مناسب و مساعد برخوردار می‌شوند تا به انجام بهتر کارهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بپردازند.

در مجموع می‌توان از تعاریف ارایه شده در مورد امنیت، نقاط مشترک زیر را برداشت نمود:

۱- امنیت، یک ارزش است و اغلب ارزشی برای رسیدن به سایر ارزش‌ها می‌باشد؛
 ۲- امنیت، همیشه در حال تغییر است و در درجات مختلف وجود خواهد داشت. برخی از ملت‌ها یا افراد به دلایل گوناگون خود را بیشتر از سایرین امن احساس می‌کنند. میزان تهدید یا خطر، تعداد ارزش‌هایی که باید حمایت شوند، و انتظارات از آینده ممکن است متفاوت باشند؛

۳- امنیت، نه فقط نگرانی در مورد حفاظت از ارزش‌هایی است که قبلاً به دست آورده شده‌اند؛ بلکه مربوط به انتظارات ما در مورد ارزش‌های آینده نیز می‌شود؛

۴- امنیت، به حداقل رسانیدن خطر را در بر می‌گیرد. این تهدیدها نه فقط از نوع سنتی و نظامی، بلکه تهدیدهای جدید غیرنظامی نسبت به رفاه ملی نیز در نظر گرفته می‌شوند.

ویژگی‌های امنیت

امنیت داری ویژگی‌هایی است که عبارتند از:

- نسبی بودن امنیت: در جهان امروز دستیابی به امنیت مطلق ناممکن است زیرا قدرت که مبنای تحصیل امنیت محسوب می‌شود؛ غیر، متفاوت و نسبی است و به تبع آن امنیت حاصل برای دولت‌ها نیز نسبی می‌باشد. بنابراین با تغییر میزان قدرت و وجود تهدیدات بالقوه و بالفعل حتی قوی‌ترین دولت‌ها نیز امنیت مطلق ندارند. به‌طور خلاصه امنیت مطلق دست یافتنی نیست و هیچ نوع نظم اجتماعی نمی‌تواند همه بی‌ثباتی‌ها، خطرهای ویرانی‌ها و مرگ را از بین ببرد؛

- ذهنی بودن امنیت: اصولاً احساس امنیت یا عدم امنیت یک برداشت یا امر ذهنی است؛ که ریشه در اعتقادات و باورهای مذهبی، اخلاقی، فرهنگی مردم و رهبران یک کشور دارد؛
 - تجربه‌ناپذیر بودن امنیت: بدین معنی که امنیت در مقابله کردن با حاکمیت و استقلال یک کشور رابطه‌ای مستقیم دارد؛ یعنی اگر در شهر یا استانی از یک کشور جنگ داخلی یا ناامنی پدید آید، نمی‌توان ادعا کرد چون در دیگر شهرها امنیت به هم نخورده است، امنیت ملی کامل است (خسروی و همکاران، ۱۳۹۴، ۱۴-۱۶).

لذا با توجه به مطالب فوق الذکر، امنیت از مقولات مهم و رایج زندگی بشر از گذشته‌های دور تا امروز بوده است و گذر زمان نه تنها از اهمیت آن نکاسته است، بلکه روز به روز بر اهمیت آن افزوده گشته و ابعاد و دامنه وسیعتری یافته است. یکی از دلایل این امر این است که انجام هیچ کاری بدون وجود امنیت متصور نیست. در نبود امنیت نه عدالت تحقق می‌یابد و نه آزادی. بی‌ست که بسیاری از فلاسفه بزرگ سیاسی عامل تشکیل حکومت را، تأمین امنیت دانسته‌اند.

ابعاد امنیت ملی و کاربرد آن در راهبرد امنیت ملی

جوهره راهبرد امنیت ملی، امنیت است و امنیت یک مفهوم چند وجهی است. «باری بوزان» معتقد است، «امنیت ملی از لحاظ مفهومی، ضعیف و از نظر تعریف، مبهم و از نظر سیاسی، مفهومی قدرتمند باقی مانده است؛ چرا که مفهوم نامشخص امنیت ملی راه را برای طرح راهبردهای بسط قدرت توسط نخبگان سیاسی و نظامی باز می‌گذارد» (ماندل، ۱۳۷۹: ۴۸-۴۹). تعریف امنیت ملی باید در برگیرنده تمامی متغیرهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، تکنولوژیک، و اقتصادی باشد که به گونه‌ای به قدرت و رفتار حکومت مربوط می‌شوند. امروزه گسترش قدرت‌های نرم افزاری و جهانی شدن اطلاعات به چندگانگی عوامل تهدید در جنبه‌های نظامی، اقتصادی، مدیریت سیاسی، علوم و فنون، ثبات اجتماعی، محیط زیست، تروریسم و غیره کمک کرده است. از این رو، بررسی ابعاد مفهوم امنیت ملی در شرایط جدید بسیار مفید می‌نماید:

امنیت اقتصادی

امروز عامل اقتصادی در روابط بین‌الملل نقش محوری یافته و امنیت اقتصادی بخش اساسی امنیت کشورها را تشکیل می‌دهد. تأکید اصلی بر روی رقابت اقتصادی و موفقیت در بازارهای بین‌المللی قرار دارد. از این رو، کشورهایی که بر سر راه رشد اقتصادی آن‌ها در آینده ممکن است موانعی پدید آید، تهدید امنیتی بیشتری احساس می‌کنند. مهم‌ترین فرضیه‌های امنیت اقتصادی عبارتند از:

- هر چه موانع مبادله کاهش یابد و وابستگی متقابل اقتصادی افزایش یابد، میزان آسیب‌پذیری اقتصادی نیز بیشتر شده و کنترل دولت کمتر می‌شود؛
- هر چه رقابت اقتصادی بین‌المللی افزایش یافته و انتخاب مواد خام، نیروی کار، محل تولید و بازارها متنوع‌تر گردد، احتمال این که یک حکومت یا شرکت بر اقتصاد جهانی سلطه پیدا نماید کاهش پیدا می‌کند؛
- هر چه یکنواختی و نفوذ متقابل اقتصادی افزایش یابد، آن دسته از کشورها و مناطقی که قادر یا مایل به ادغام در نظام اقتصادی جهان نیستند، بیشتر منزوی شده و به حاشیه

رانده می‌شوند و شکاف بین فقیر و غنی به نفع کسانی که دارای بیشترین ثروت‌های مورد نیاز جهان هستند، افزایش می‌یابد؛

- هر چه عده بیشتری از ملت‌ها، در تلاش برای ورود و بهره‌مندی از نظام اقتصادی جهانی باشند، برخی که دارای زیرساخت‌های آموزش مورد نیاز جهت پذیرش تغییرات سریع اقتصادی نیستند، با انتظارات سرکوب شده و وعده‌های غیرقابل تحقق بسیاری روبرو می‌شوند؛
- هر چه بلوک‌های اقتصادی منطقه‌ای رشد بیشتری پیدا کنند، تولید در برخی مناطق تمرکز بیشتری می‌یابد، که این امر اهمیت اختلال در عرضه از خارج را کم می‌کند؛ و
- هر چه هویت دوست و دشمن در نظام بین‌المللی مبهم‌تر و سیال‌تر شود و ملت‌ها به طرف اقتصادهای پیچیده‌تر و به هم وابسته‌تر پیش روند، کمک یا فشار اقتصادی در کسب اهداف امنیتی موثر نمی‌باشند (ماندل، ۱۳۷۹، صص ۱۲۴-۱۲۳)

امنیت نظامی

در طول تاریخ عامل نظامی از کلیدی‌ترین عوامل حفظ امنیت کشورها بوده است. دستیابی به قدرت زیاد از طریق افزایش تعداد نفرات و قدرت آتش تسلیحات، برخورداری از بهره‌دهی نظامی سریع‌تر، مشارکت در اتحادیه‌های نظامی، و تلاش‌های چند جانبه برای جلوگیری از وقوع جنگ و پایان بخشیدن به آن در همین راستا دنبال می‌شوند. مهمترین فرضیه‌های امنیت نظامی عبارتند از:

- هر چه قدرت نظامی از طریق انتشار بین‌المللی اسلحه و فن‌آوری متمرکزتر و پراکنده‌تر گردد، امنیت کشورها و نظام بین‌المللی نیز بیشتر کاهش می‌یابد؛
- هر چه تصمیم‌گیری دفاعی در داخل و بین دولت‌ها غیرمتمرکزتر گردد، اجرای ترتیبات امنیت جمعی نیز مشکل‌تر می‌شود؛
- هر چه وابستگی دفاعی یک کشور به خارج بیشتر گردد، تصورات مربوط به آسیب‌پذیری و نیز از دست دادن کنترل بیشتر می‌گردد؛
- هر چه هویت تهدیدات و دشمنان مبهم‌تر گردد، آمادگی نظامی نیز کاهش یافته و نارضایتی عمومی از هزینه‌های نظامی، بیشتر می‌شود؛ و
- هر چه جنگ، غیرمتعارف‌تر و چندوجهی‌تر شود، میزان موفقیت در تعیین نتیجه، پیشگیری و مدیریت آن نیز کاهش می‌یابد (همان، ۱۰۳-۱۰۴)

امنیت اطلاعاتی

جهان در عصر جدید شاهد دگرگونی عظیمی در بخش علوم و فنون مربوط به اطلاع‌رسانی قرار دارد. کشورها و مردمی که بتوانند در جریان این انقلاب بزرگ از فرصت‌ها بهره‌برند و ابتکار عمل و تحرک کافی داشته باشند، آینده را در اختیار خواهند داشت و در

رقابت‌های جهانی آینده نقش هدایت‌کننده و راهبردی ایفا خواهند نمود. قدرت یا ضعف توان اطلاعاتی است که سرنوشت کشورها را تعیین می‌کند و بزرگترین معیار هماهنگ‌کننده توان جامع و فراگیر در رقابت‌های بین‌المللی خواهد بود (امیدوارنیا، ۱۳۸۱). از این رو برخی معتقدند امنیت اطلاعاتی اولین و مهم‌ترین عامل امنیت است و جایگاه محوری اطلاعات در رقابت قدرت‌های بزرگ روز به روز از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد شد.

امنیت سیاسی - فرهنگی

هدف دیدگاه سیاسی - فرهنگی به امنیت ملی، حفظ حکومت و ایدئولوژی آن و نیز هویت خاص جامعه است. امروزه، گسترش بین‌المللی هنجارهایی چون دموکراسی، حقوق بشر و آزادی در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی، به همسان‌سازی ارزش‌های سیاسی کمک کرده است. بسیاری از حکومت‌ها قادر به برآوردن انتظارات جدید نیستند و فرهنگ‌ها نیز فاقد قدرت انطباق سریع می‌باشند. با توجه به هیجانات ریشه‌داری که معمولاً با این ناآرامی‌ها و برخوردها همراه است؛ ابهام قابل ملاحظه‌ای درباره بهترین راهبردهای مدیریت و مقابله با آن‌ها وجود دارد. مهم‌تری فرضیه‌های امنیت سیاسی - فرهنگی عبارتند از:

- همگام با افزایش آزادی و آگاهی داخلی، به خصوص در کشورهایی که فاقد سنت و زیرساخت لازم برای تحلیل و جذب داده‌های کثرت‌گرایانه هستند، انسجام سیاسی و فرهنگی رو به کاهش می‌رود؛

- به تدریج که گروه‌های قومی در درون ملت‌ها، تقاضاهای خود را برای خودمختاری تشدید می‌کنند، به نظر می‌رسد که ملت‌ها بیشتر مایه هستند حاکمیت فرهنگی خود را در مقایسه با حاکمیت سیاسی فدا کنند؛

- همگام با افزایش رشد دیپلماسی چندجانبه خارجی و فشار گروه‌های ذی نفوذ داخلی، ملت‌ها نیز در زمینه اولویت‌های خط مشی فرهنگی و سیاسی داخلی و خارجی خود، بیشتر دچار تفرق گشته و ابزارهای کمتری برای پاسخگویی به هر دو جنبه دارند؛
- هر چه منطقه‌گرایی و استاندارد شدن جهانی گسترش یابد، تمایز میان هویت‌های سیاسی - ملی کاهش یافته و تلاش برای یافتن هویت فرهنگی تشدید می‌شود؛

- همگام با کاهش کنترل حکومت ملی، انتظارات عمومی درباره کارآیی دولت به جای دیگر متوجه می‌شود و حکومت‌ها بیشتر به منبع نمادین قدرت تبدیل می‌گردند؛ و
- به تدریج که هنجارهای نظام بین‌المللی و ارزش‌های درون دولت‌ها متفاوت و متنوع‌تر می‌شود، ایده مشروعیت سیاسی و فرهنگی نیز به طرف ابهام بیشتری می‌رود (همان، ۱۶۳)

امنیت اجتماعی - فرهنگی

ناامنی فرهنگی به نوبه خود موجب ناامنی‌های اجتماعی نیز می‌گردد؛ مواردی چون فساد در جامعه، قاچاق انسان‌ها، مفاسد مالی، فرقه‌های گمراه، تروریسم و رفتارهای خشونت‌آمیز از مصادیق آن به شمار می‌آیند. نابرابری درآمدها و ثروت، بیکاری، ناامیدی از چشم‌انداز زندگی و ضعف واحد خانواده، ابعادی از امنیت اجتماعی هستند که در نهایت امنیت و نظم عمومی را کاهش می‌دهد. جوان بودن جمعیت، می‌تواند به یک فرصت یا تهدید اجتماعی تبدیل شود. فرار مغزها نیز از چالش‌های امنیتی است که به طور خاص برای کشورهای در حال توسعه معنا می‌یابد.

با این تعبیر اقتدار فرهنگی منشأ کسب اقتدار در تمامی عرصه‌هاست؛ چراکه قدرت بی‌انتهای ایمان، اندیشه، معرفت و انسان‌سازی در این حوزه متمرکز است و پیروزی در این عرصه مقدمه پیروزی و موفقیت در تمامی عرصه‌هاست (افتخاری، ۱۳۹۲: ۳۳-۵۶). امنیت اجتماعی توانایی جامعه در دفاع از خصوصیات و ویژگی‌های اساسی خود در برابر تغییرات و تهدیدات واقعی و احتمالی است. امنیت اجتماعی زمانی مطرح می‌شود که جوامع احساس می‌کنند هویت شان در خطر است (vucetic, 2002: 2).

امنیت زیست محیطی

دیدگاه امنیت زیست محیطی بر مدیریت تهدیدات ملی و فراملی نسبت به حفظ محیط زیست، مانند گرم شدن کره زمین و تخریب لایه اوزن، باران‌های اسیدی، جنگل‌زدایی، ضایعات سمی و دیگر آلاینده‌های محیط زیست تأکید دارد. مهم‌ترین فرضیه‌های امنیت زیست محیطی عبارتند از:

- هر چه کمیابی منابع و کاهش کیفیت محیط زیست تشدید شود، رابطه بین پیگیری دابی به منابع و حفاظت محیط زیست حادث‌تر شده و به حاصل جمع صفر نزدیک‌تر می‌شود؛

- هر چه فشار بر منابع محیط زیست به گونه‌ای نامتساوی‌تر در جهان گسترش یابد، رفیت مدیریت این فشارها نیز نامساوی‌تر شده و تنش‌های امنیتی داخلی و خارجی را افزایش می‌دهد؛

- به تدریج که آگاهی از دامنه و شدت مسائل جهانی منابع و محیط افزایش می‌یابد، گروه‌های ملی، فراملی و بلوک‌های منطقه‌ای، تمایل بیشتری برای کسب نفوذ بر راه حل‌ها از خود نشان می‌دهند؛

- به تدریج که وابستگی متقابل در منابع و سرایت اثرات آلودگی، باعث افزایش آسیب‌پذیری اجتماعی کمی شود، تلاش‌های ملی یک جانبه برای مدیریت ملاحظات

امنیتی مربوط به منابع و محیط زیست، از لحاظ شدت و کارایی کاهش یافته و تضعیف می‌شوند؛ و

- هر چه کشورها کاهش فزاینده منابع و کیفیت محیط زیست را به اقدامات عمدی انسان در مقایسه با طبیعت نسبت دهند، احتمال بروز کشمکش داخلی و بین‌المللی بالا می‌رود.

سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای است از مفاهیمی مانند؛ اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع شده و در نهایت، منافع متقابل آنها را تأمین خواهد کرد (پاتنام، ۱۳۸۰: ۶۶). به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی مجموعه هنجارهای موجود در شبکه‌ها و سازمان‌ها است که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه و کاهش سطح هزینه‌ها، تبادلات و ارتباطات می‌شود (میرفردی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۴۷-۱۶۸). از نظر پاتنام، سرمایه اجتماعی در درون گروه‌های مدنی و دینی، پیوندهای خانوادگی، شبکه‌های اجتماعی غیررسمی دوستان و خویشاوندان، داوطلب شدن، از خود گذشتگی و اعتماد نهفته است. به زعم وی، سرمایه اجتماعی به هنجارهای روابط متقابل و شبکه یا انجمن‌ها اشاره دارد که باعث ارتقای همکاری و عملکردها می‌گردد و می‌تواند به عنوان منابع اجتماعی در جهت منافع متقابل استفاده شود (das, 2003, 27-45). به عقیده وی، سرمایه اجتماعی کنش جمعی نیست، بلکه هنجارها و ضمانت‌های اعتماد و عمل متقابل در بین شبکه‌های اجتماعی است که مشکلات غیرقابل حل کنش اجتماعی را حل می‌کند (شارع‌پور و حسینی‌راد، ۱۳۸۷: ۱۳۱-۱۵۲). شبکه‌های مشارکت مدنی یکی از اشکال ضروری سرمایه اجتماعی هستند؛ «هر چه این شبکه‌ها متراکم‌تر باشند، احتمال بیشتری وجود دارد که شهروندان بتوانند در جهت منافع متقابل همکاری کنند» (میرفردی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۴۷-۱۶۸). سرمایه اجتماعی موجب می‌شود که اعضاء یک جامعه به هم اعتماد کنند و به تشکیل گروه‌ها و مجامع داوطلبانه بپردازند. توانایی کار جمعی و معاشرت‌پذیری به معنی پذیرش صداقت، اتکاء‌پذیری، قابلیت اعتماد کردن، ا مینان و حسن وظیفه است. آنچه که موجب تقویت سرمایه اجتماعی در هر جامعه‌ای می‌شود، این است که افراد در یک جامعه تنها به فکر منافع خود نبوده و تنها در جهت دستیابی به آن عمل نکنند، بلکه به انجام کار جمعی در قالب گروه‌ها و تشکلهای داوطلبانه و غیر داوطلبانه بپردازند.

سرمایه اجتماعی، مجموعه‌ای از منابع و ذخایر ارزشمندی است که به صورت ذاتی و نهفته در روابط اجتماعی و در سازمان اجتماعی جامعه (نهادهای رسمی و غیررسمی)

وجود دارد. برخی از این ذخایر ارزشمند که گاه از آن به عنوان ارزش‌های اجتماعی نیز یاد می‌شود، عبارتند از؛ صداقت، حسن تفاهم، سلامت نفس، همدردی، دوستی، دلسوزی، همبستگی، فداکاری و غیره. سرمایه اجتماعی از طریق این منابع، کنش‌های کنشگران را در سطوح مختلف خرد، میانی و کلان جامعه، آسان، سریع، کم‌هزینه و مطمئن می‌سازد و بدین وسیله آنان را در رسیدن به اهداف مشترک اجتماعی کمک می‌کند. لذا، در جمع‌بندی تعاریف فوق می‌توان گفت؛ سرمایه اجتماعی یک مجموعه از نهادهای زیر بنایی اجتماعی نیست، بلکه حلقه اتصال دهنده افراد در قالب نهادها، شبکه‌ها و تشکلهای داوطلبانه است. سرمایه اجتماعی شامل شبکه اجتماعی و هنجارهای وابسته آن است که بر تولید، سرمایه‌گذاری و امنیت یک جامعه تاثیر می‌گذارد.

نقش سرمایه اجتماعی در تحقق امنیت و اقتدار ملی

مهم‌ترین عامل نه تنها در مقابله با تهدیدات، بلکه عامل بازدارنده از حملات دشمنان، حفظ وحدت اجتماعی و انسجام ملی است. از این روست که دشمن می‌کوشد پیش از هر حمله فیزیکی نخست این سد استوار را بشکند و با ایجاد اختلافات و تفرقه در صفوف ملت و امت آنان را به خود سرگرم نماید.

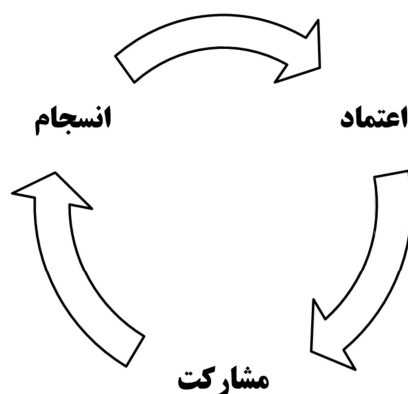
از جمله مهمترین عوامل تأثیرگذار بر وحدت هر جامعه، موضوع سرمایه اجتماعی و نرخ بهره‌مندی آن در کشورها می‌باشد. سرمایه اجتماعی اولاً بسیار کم‌هزینه است و ثانیاً پایان‌ناپذیر می‌باشد که می‌تواند امنیت و اطمینان را برای جامعه به ارمغان بیاورد. زندگی جمعی به وجود آورنده مجموعه‌ای از ارزش‌ها و قواعد است که افراد را با یکدیگر مرتبط می‌سازد. در این محیط هیچ چیز طبیعی نیست، ارزش‌ها و قواعد باید توسط اعضای جامعه پذیرفته شوند تا جایگاه مدنی حیات اجتماعی حفظ شود. آزادی حقوق و امتیازات افراد در چارچوب‌های اجتماعی معنادار می‌شوند. آزادی که موجد مسئولیت و ارتباط اجتماعی نیست، آزادی را بن تلقی نمی‌شود. بنابراین تمامی جوامع مجبورند قیودی بر آزادی انسان‌ها بگذارند. این قیود باعث ایجاد نظم و امنیت اجتماعی می‌شوند. به منظور برقراری نظم اجتماعی سه ابزار وجود دارد:

- ابزار قهری مانند استفاده از پلیس و زندان؛
 - ابزار جلب منفعت مانند انگیزش‌های اقتصادی، مخارج عمومی، توسعه زیرساخت‌ها و غیره؛
 - ابزار هنجاری مانند استفاده از ارزش‌ها و آموزش اخلاقی.
- جامعه‌ای که متکی به قوه قهریه برای حفظ نظم اجتماعی است، فاقد اعتماد و ناکارادر تحقق آزادی‌های مدنی تلقی می‌شود. امنیت اجتماعی پایدار در شرایطی محقق می‌شود که نظام اخلاقی بر روابط اجتماعی افراد حاکم باشد. این نظام اخلاقی علاوه بر شبکه‌ها و

تشکل‌های اجتماعی افقی، مشتمل بر اعتماد، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک میان افراد در حیات اجتماعی و مدنی نیز هستند.

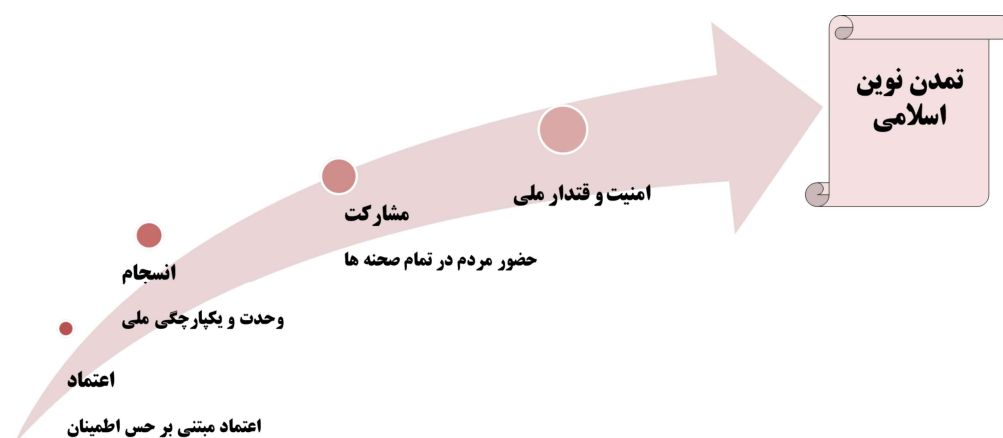
"سرمایه اجتماعی"، زیربنای هر جامعه‌ای را برای رشد و توسعه شکل می‌دهد و جوامع به هر میزان که بتوانند به انباشت این سرمایه بپردازند، به همان میزان نیز می‌توانند در راه رشد و توسعه گام برداشته و از مواهب توسعه بهره‌مند شوند. تجربه جوامع توسعه یافته و دارای امنیت اجتماعی پایدار نشان می‌دهد که در این جوامع سطح بالایی از اعتماد وجود دارد و افراد به طور گسترده‌ای در عرصه عمومی مشارکت دارند؛ ضمن آن که شبکه‌های سیاسی-اجتماعی میان افراد به شکل افقی، به سلسله مراتبی سازماندهی شده‌اند. حال آن‌که، در جوامعی که ناامنی را تجربه می‌کنند، خبری از مشارکت گسترده مردم در حوزه عمومی نیست و ساختار اجتماعی به شکل سلسله مراتبی سازماندهی شده است. مردم از قوانین تبعیت نمی‌کنند و میزان بالایی از ترس و بی‌اعتمادی مشاهده می‌شود و جامعه حوزه مطمئنی برای زندگی تلقی نمی‌شود.

همبستگی مبتنی بر سرمایه اجتماعی موجب توسعه سیاسی - اقتصادی می‌شود که این دو به نوبه خود امنیت اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. بنابراین امنیت اجتماعی عمدتاً از طریق ابزارهای هنجاری نظیر اعتماد، ارزش‌ها و غیره به شکل بهتری تأمین و ماندگار می‌شوند (سویزی و محمدی، ۱۳۹۰: ۱۱۹-۱۴۰). از این رو، سرمایه اجتماعی را می‌توان حاصل پدیده‌های از قبیل «اعتماد متقابل، تعامل اجتماعی متقابل، گروه‌های اجتماعی، احساس هویت جمعی و گروهی، احساس وجود تصویری مشترک از آینده، کار گروهی» در یک سیستم اجتماعی دانست. در واقع اجرای یکسری از مجموعه هنجارها و ارزش‌هایی که مورد پذیرش نیروهای امنیتی کشور و شهروندان جامعه می‌باشد، به مشارکت مردم در خصوص حمایت از حکومت منجر می‌گردد، و متغیرهای مستمر و پایدار (اعتماد، مشارکت و انسجام) دولت با جامعه شکل می‌گیرد، که منجر به نقش آفرینی مؤثر سرمایه اجتماعی در برقراری امنیت اجتماعی خواهد شد.



عالیّت‌ها و عملکرد امنیت اجتماعی در هر جامعه‌ای بیانگر این است که مهم‌ترین شاخص‌های سرمایه اجتماعی (اعتماد، انسجام، مشارکت) تا چه حد تأثیر قابل توجهی بر (افزایش مشارکت مردمی، یکپارچگی، تقویت ارزش‌های ملی و بومی، میزان رضایت‌مندی، توسعه جامعه، افزایش امنیت، اعتماد و ارتقاء اراده ملی، دانایی محوری و غیره) گذاشته و یا خواهد گذاشت. با توجه به اهمیت سرمایه اجتماعی در افزایش عملکرد امنیت اجتماعی مردم محور و با توجه به این که پاسخ دولت به مردم، نقش اساسی در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی، امنیت پایدار و اعتماد به دولت را ایفاء می‌کند، دولت می‌تواند با افزایش و بهبود سیستم پاسخگویی خود به شهروندان، به افزایش اعتماد مردم به حکومت کمک کند.

امنیت اجتماعی، به مثابه پیامد مثبت و مطلوب، حاصل اثرگذاری سرمایه اجتماعی بر زندگی فردی در قدم اول و زندگی جمعی به تبع آن است. بدین ترتیب، هر چند اصطلاح امنیت اجتماعی، مفهوم امنیت برای اجتماع را مطابق با نگرشی کل‌گرایانه در ذهن متبادر می‌سازد؛ لیکن، اساس مفهوم امنیت اجتماعی و وجه ممیز آن از امنیت عمومی، امنیت ملی، امنیت کشور و مانند آن، تأمین امنیت مادی و معنایی فرد است. اگر در تأمین امنیت اجتماعی، تبعات و پیامدهای عمومی آن را در نظر داشته باشیم، منافع جمع بر فرد مقدم دانسته‌ایم؛ اما اگر صرفاً تحقق حقوق و منافع فرد را صرف نظر از هزینه‌های آن در نظر بگیریم، تقدم حقوق و منافع فرد جمع تأکید کرده‌ایم (تقی‌لو و آدمی، ۱۳۸۹: ۳۱-۴۶). ترتیب این موارد به نظر منطقی می‌آید؛ مبنی بر اینکه با بالا رفتن سطح آگاهی، اعتماد حاصل می‌شود و این اعتمادی که مبتنی بر حس اطمینان است، انسجام و همبستگی اجتماعی را ترقی داده و در ادامه موجب افزایش سطح مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های و حوزه‌های مختلف می‌شود که در نهایت موجب امنیت و اقتدار ملی می‌شود.



اعتماد اولین جزء سرمایه اجتماعی ارتباطات بین فردی و یا بین شهروندان و سازمان‌ها و نهادهای یک جامعه تلقی می‌گردد. از این‌رو، اعتماد در روند احساس آرامش جسمانی، روانی و در نهایت، احساس امنیت نقش مهمی را ایفاء می‌نماید (امین بیدختی و نظری، ۱۳۸۹: ۲۳۸-۲۶۶). در واقع اعتماد عبارت است از تمایل فرد یا یک جمعی به قبول ریسک در یک موقعیت اجتماعی که این تمایل مبتنی بر حس اطمینان به این نکته است که دیگران به گونه‌ای انتظار می‌رود عمل نموده و شیوه حمایت‌کننده در پیش خواهند گرفت. به تعبیر فوکویاما «اعتماد انتظاری است که در یک اجتماع منظم، صادق و دارای رفتار تعاونی خود را نشان می‌دهد». به همین جهت، آیزنشتات به درستی متذکر می‌شود که مهم‌ترین مسئله نظم اجتماعی برای بنیان‌گذاران جامعه ماسی، اعتماد و همبستگی اجتماعی است؛ یعنی بدون انسجام و نوعی اعتماد پایداری نظم اجتماعی غیر ممکن است» بررسی در زمینه وجود رابطه بین سرمایه اجتماعی و میزان جرایم نشان می‌دهد، هرچه علاقه افراد به جامعه، اعتماد اجتماعی، داشتن روابط متقابل با دیگران و حس کمک و همیاری نسبت به دیگران در فرد زیاد شود، به همان میزان از ارتکاب به جرم در جامعه کاسته می‌شود. (چلبی، ۱۳۸۴: ۳۷).

لذا در پایان این مطلب می‌توان این چنین استنتاج نمود که سرمایه اجتماعی یک ظرفیت، جوهر اجتماعی یا هنجاری غیررسمی است که همکاری میان افراد و نهادهای یک جامعه را ارتقاء می‌بخشد. هر کشوری برای مقابله با تهدیدات و برای دستیابی به اهداف خود، علاوه بر افراد آگاه و با تجربه و امکانات و ابزار مادی، به عواملی مانند: اعتماد، تعهد و مسئولیت‌پذیری و غیره هم‌نیاز دارد که این عوامل، همان سرمایه‌های اجتماعی هستند؛ در واقع برای موفقیت یک کشور و حصول امنیت ملی، وجود سرمایه اجتماعی شرط لازم است.

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در این بیانیه در تشریح فضای پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و آغاز دشمنی‌ها و کینه‌توزی علیه این انقلاب می‌فرمایند؛ پس آنگاه انقلاب ملت ایران، جهان دوقطبی آن روز را به جهان سه قطبی تبدیل کرد و سپس با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و پدید آمدن قطب‌های جدید قدرت، تقابل دوگانه‌ی جدید «اسلام و استکبار» پدیده‌ی برجسته‌ی جهان معاصر و قانون توجه جهانیان شد. از سویی نگاه امیدوارانه‌ی ملت‌های زیرستم و جریان‌های آزادی‌خواه جهان و برخی دولت‌های مایل به استقلال، و از سویی نگاه کینه‌ورزانه و بدخواهانه‌ی رژیم‌های زورگو و قلدرهای باج‌طلب عالم، بدان دوخته شد. بدین مسیر جهان تغییر یافت و زلزله‌ی انقلاب، فرعون‌های در بسترِ راحت آرمیده را بیدار کرد؛ دشمنی‌ها با همه‌ی شدت آغاز

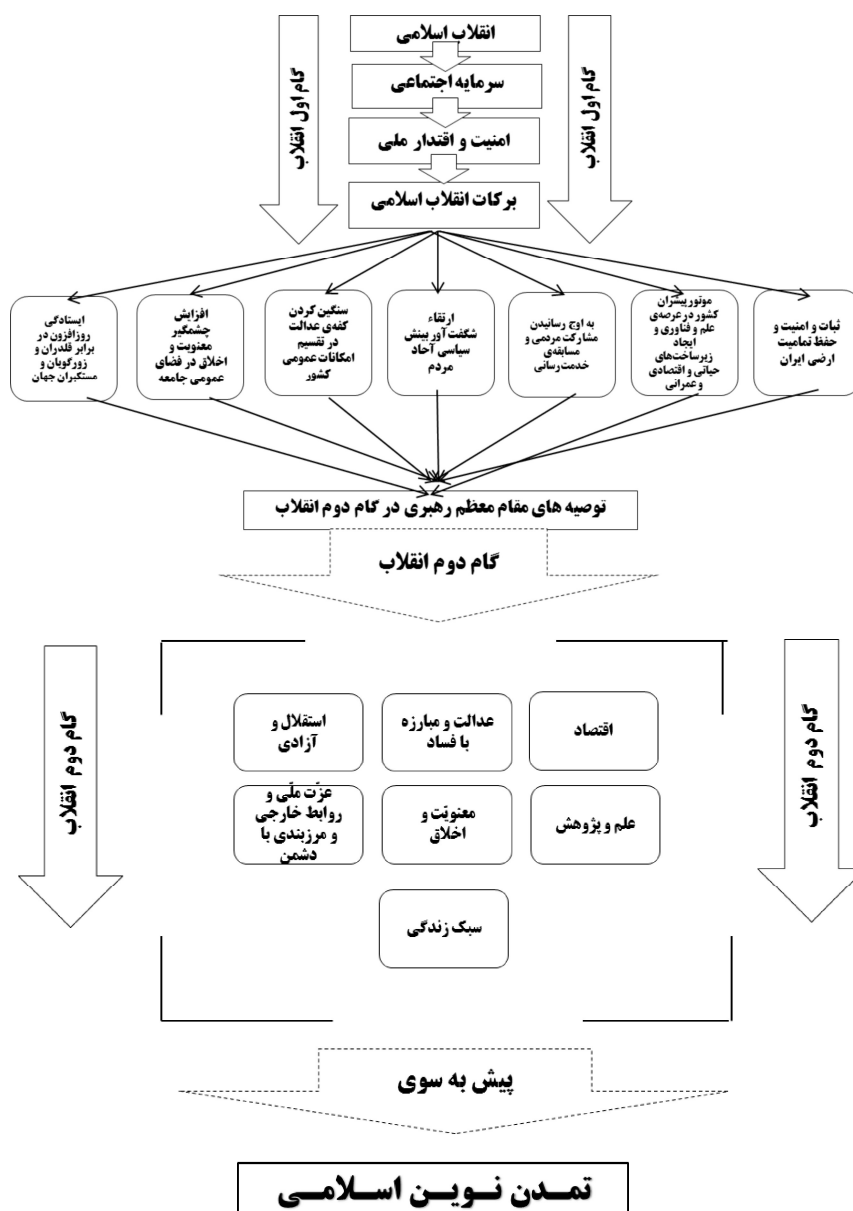
شد و اگر نبود قدرت عظیم ایمان و انگیزه‌ی این ملت و رهبری آسمانی و تأییدشده‌ی امام عظیم‌الشأن ما، تاب آوردن در برابر آن همه خصومت و شقاوت و توطئه و خباثت، امکان‌پذیر نمی‌شد. ایشان در خصوص برکات انقلاب اسلامی می‌فرمایند؛ در گام نخست، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم سالاری تبدیل کرد و عنصر اراده‌ی ملی را که جان‌مایه‌ی پیشرفت همه جانبه و حقیقی است در کانون مدیریت کشور وارد کرد؛ آنگاه جوانان را میدان‌دار اصلی حوادث و وارد عرصه‌ی مدیریت کرد؛ روحیه و باور «ما می‌توانیم» را به همگان منتقل کرد؛ به برکت تحریم دشمنان اتکاء به توانایی داخلی را به همه آموخت و این منشأ برکات بزرگ شد که عبارتند از:

- ۱- ثبات و امنیت و حفظ تمامیت ارضی ایران؛
- ۲- موتور پیشران کشور در عرصه‌ی علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی؛
- ۳- به اوج رسانیدن مشارکت مردمی و مسابقه‌ی خدمت‌رسانی؛
- ۴- ارتقاء شگفت‌آور بینش سیاسی آحاد مردم؛
- ۵- سنگین کردن کفه‌ی عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور؛
- ۶- افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه؛ و
- ۷- ایستادگی روزافزون در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان.

مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی خطاب به جوانان می‌فرمایند: دهه‌های آینده دهه‌های شما است و شما باید کارآزموده و پرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد «تمدن نوین اسلامی» و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نافده) است، نزدیک کنید. ایشان همچنین برکات چهل ساله انقلاب اسلامی را این چنین توصیف می‌کنند؛ کشور و ملتی مستقل، آزاد، مقتدر، باعزت، متدین، پیشرفته در علم، انباشته از تجربه‌هایی گران‌بها، مطمئن و امیدوار، دارای تأثیر اساسی در منطقه و دارای منطق قوی در مسائل جهانی، رکورددار در شتاب پیشرفت‌های علمی، رکورددار در رسیدن به رتبه‌های بالا در دانش‌ها و فناوری‌های مهم از قبیل هسته‌ای و سلول‌های بنیادی و نانو و هوافضا و غیره. ایشان مسیر پیش‌روی انقلاب را این چنین تبیین می‌فرمایند: اما راه طی شده فقط قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمانهای بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنباله‌ی این مسیر که به گمان زیاد، به دشواری گذشته‌ها نیست، باید با همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه‌ی میدانهای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق

و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره گیرند، نگاه انقلابی و روحیه‌ی انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته‌ی اسلامی بسازند. مقام معظم رهبری در ادامه این بیانیه توصیه‌های اساسی در پر توامید و نگاه خوش بینانه به آینده پرداخته و می‌فرماید؛ اکنون به شما فرزندان عزیزم در مورد چند سرفصل اساسی توصیه‌هایی می‌کنم. این سرفصل‌ها عبارتند از: علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، سبک زندگی (بیانیه گام دوم انقلاب).

مدل مفهومی تحقیق



نتیجه‌گیری

مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی از جوانان می‌خواهد که کارآزموده و پرانگیزه از انقلاب خود حراست کنند و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد «تمدن نوین اسلامی» و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نافده) است، نزدیک کنند. تحقق این امر بدون برقراری امنیت و اقتدار ملی در سایه وحدت و انسجام ملی میسر نخواهد شد.

نتایج حاصل از جستار حاضر این خواهد بود:

- امنیت به عنوان اصلی‌ترین عامل رشد و توسعه یک سیستم فرض می‌شود و اهمیت آن به نحوی است که در صورت عدم آن، رشد و توسعه حاصل نمی‌شود؛
- مولفه‌های امنیت در سطوح و ابعاد مختلفی قابل ترسیم می‌باشد و راهبردهای امنیتی بر اساس محیط پیرامونی در قبال پدیده‌ها و تهدیدات تدوین می‌شوند؛
- تهدیدات پیرامونی محیط امنیتی ج.ا.ا را دستخوش تحولات کرده و نظام امنیتی کشور می‌بایست برای آن تدبیری در سطح راهبردی بیاندیشد؛
- بیانیه گام دوم انقلاب از سوی مقام معظم رهبری (مدظله العالی) ابلاغ شده و وظیفه و مسئولیت بسیار مهمی بر دوش جامعه به خصوص جوانان نهاده است؛
- مشارکت مردمی در عرصه‌های (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی) باعث ایجاد امنیت و اقتدار ملی در کشور می‌شود. امنیت مردم پایه بر اساس سه عنصر اعتماد، مشارکت و انسجام اجتماعی به عنوان سرمایه انسانی و اجتماعی نظر دارد و هر چه این سه عنصر رشد یابد امکان بهره‌گیری از این توان میسرتر است؛
- از راه‌های تحقق بیانیه گام دوم انقلاب برخورداری از امنیت و اقتدار ملی است که با بهره‌جستن از سرمایه اجتماعی که وحدت و انسجام ملی را در پی دارد تحقق این مهم را هموار می‌سازد؛
- ترغیب جامعه در احیای امنیت پایدار امری ضروری است که فرایند خاص آگاه‌سازی و دعوت به مشارکت را می‌طلبد؛
- تاکید بر وجوه مشترک و دوری جستن از ویژگی‌های اختلاف‌زا در احیای امنیت مردم پایه لازم می‌نماید.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. افتخاری، اصغر. (۱۳۹۲). *عدالت و امنیت ملی در اسلام*. فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۱۶، شماره ۶۱.
۳. امیدوارنیا، محمد جواد. (۱۳۸۱). *عوامل غیر سنتی مؤثر بر امنیت در آسیای مرکزی: دیدگاه چین*. مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۴۱، صص ۱۹۶-۱۸۷.
۴. امیدوارنیا، محمد جواد (۱۳۸۱)، *امنیت در قرن بیست و یکم (دیدگاه چین)*، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، چاپ اول.
۵. امین بیدختی، علی اکبر. و نظری، ماشاالله. (۱۳۸۹). *ارائه یک مدل نظری جهت تبیین نقش سرمایه اجتماعی به عنوان گوهری گران بها اما کم هزینه: راهکارهای برای بهبود عملکرد اقتصادی*. مجله راهبرد توسعه، شماره ۲۲.
۶. پاتنام، روبرت. (۱۳۸۰). *دموکراسی و سنت های مدنی (تجربه ایتالیا و درس هایی برای کشورهای در حال گذر)*، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: نشر روزنامه سلام.
۷. تقی لو، فرامرز. و آدمی، علی. (۱۳۸۹). *امنیت و پیشا ارزش های آن در اندیشه سیاسی اسلام*. فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵۰.
۸. ترابی، یوسف و گودرزی، آیت. (۱۳۸۳). *ارزش ها و امنیت اجتماعی*. فصلنامه دانش انتظامی، سال ششم، شماره ۲.
۹. چلبی، مسعود و محمد مبارکی (۱۳۸۴). *تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطح خرد و کلان*، مجله جامعه شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۲.
۱۰. خسروی، حمید و رمضانی، حسینعلی (۱۳۹۴). *امنیت و تهدید، انتشارات سخنوران*
۱۱. ردادی، محسن. (۱۳۸۷). *سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی*. فصلنامه راهبرد یاس، شماره ۱۶.
۱۲. ماندل، رابرت. (۱۳۷۹). *چهره متغیر امنیت ملی*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی: تهران، چاپ دوم.
۱۳. میرفردی، اصغر، احمدی، سیروس. و رفیعی بلداجی، زهره. (۱۳۹۰). *بررسی اولویت های ارزشی معلمان و ارتباط آن با برخی عوامل اقتصادی و اجتماعی؛ مورد مطالعه: معلمان شهرستان بروجن*. مجله مطالعات اجتماعی، دوره پنجم، شماره ۳، صص ۱۶۸-۱۴۷.
۱۴. سویزی، محسن. و محمدی، فریبرز. (۱۳۹۰). *نقش سرمایه اجتماعی در تأمین امنیت سرمایه گذاری*. فصلنامه رهنما سیاست گذاری، سال دوم، شماره ۳.
۱۵. شارع پور، محمود. و حسینی راد، علی. (۱۳۸۷). *بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت ورزشی؛ مطالعه موردی: شهروندان ۲۹-۱۵ ساله شهر بابل*، نشریه حرکت، شماره ۳۷.
16. Das, j.R. (2003). "Social Capital and Poverty of the Wage-Labour Class: problems With the Social Capital Theory". University of Dundee, Department of Geography, Dundee DDI 4HN.

17. -Vucetic, Srdjan. (2002), **Traditional Versus Social Security and the Role of Securitization**, free university of Berlin and York University.